

پس هر دو را در آب ولرم فرو بر؛ آب ولرم به آن دستی که در آب سرد بود گرم و بر آن دستی که در آب گرم بود سرد خواهد نمود؛ کدام یک از این دو حقیقت است؟ رنج و درد نیز همین حال را دارد: اگر رابطه اعصاب ذائقه با دماغ قطع شود یا دستخوش زکام گردد طعم غذا مطبوع نخواهد بود؛ این طعم در کجاست؟ در غذاست یا در اعصاب ذائقه یا در دماغ؟ عصب دندان را که درد می‌کند بی‌حس کن دیگر احساس درد نخواهی کرد؛ درد، آن دندان بود یا آن دماغ؟ زیبایی و زشتی نیز چنین است: این زن به دیده تو زیباست، آیا به دیده برادران و رقیبانش نیز چنین است؟ این زیبایی در دیده توست یا در او؟ این صفات را که فقط دریافت تو به اشیاء جهان خارج می‌بخشد از او بگیر و بنگر که آنچه بر جای می‌ماند چیست؟^۸ خلأ است و جزء لا یتجزی؛ یا ماده است و زمان و مکان؟

«اما آیا این ماده جز از راه حواس به درون ذهن تو آمده و آنجا بدل به مفهومات گشته؟ آیا مکان چیزی جز رو به رو و پشت سر و زیر و بالا و کنار و اینجا و آنجا و دور و نزدیک و بلند و کوتاه است؟ و آیا اینها جز اوضاع و احوال ذهن دریا بنده است؟ آیا شیء خارجی خود به خود دور و نزدیک و کوتاه و بلند و زیر و بالا است؟ یا آنکه نسبت به شما چنین می‌شود؟ حرف A به چشم a، در میکروسکوپ b و در دوربین نجومی c دیده می‌شود؛ کدام درست است؟ در دیده سگ، صاحبش چون نزدیکتر شود بزرگتر و چون دورتر رود کوچکتر می‌گردد، اما همین سگ خود را تنها موجودی می‌داند که به همه حال اندازه‌اش را حفظ می‌کند. مگسی بر روی یک نارنج راه می‌رود، یکی این نارنج را به دست می‌گیرد و دیگری از آن سوی خیابان بدان می‌نگرد؛ آیا اندازه این نارنج در دیده هر سه یکسان است؟ شما نمی‌توانید با اندازه گرفتن چیزی خود را آسوده سازید و خیال کنید که اندازه واقعی آن را به دست آورده‌اید؛ زیرا آن سانتیمتری که بر خط کش شما است، مثل همان نارنج، در دیده شما کوچکتر از آن چیزی است که در دیده مگس است و در دیده نگرنده از آن سوی خیابان، بزرگتر می‌نماید. همین سانتیمتر و خط کش، در دیده آن موجود غول‌آسای مریخی که به زمین آید، بسی کوچکتر از دیده شما جلوه می‌کند. برآستی انسان خود اندازه هر چیز است و بیشتر آنچه درک می‌کند مخلوق خود اوست.

«به قول اینشتین نتیجه اساسی نظریه نسبی او آن بوده است که «آخرین اثر عینیت فیزیکی را از زمان و مکان گرفته است»؛^۸ آیا زمان چیزی نیست که قسمتی از سرگذشت خود را به قبل و بعد آن تقسیم می‌کنید؟ و اگر شما و ذهنتان نبودید آیا این قبل و بعد برای شما وجود می‌داشت؟ شاید دقایق زمان بر آن مگسی که بر روی دیوار است و شما آن را له می‌کنید طولانیتر از آن باشد که شما حس می‌کنید؛ کدام یک واقعیت دارد؟ در داستان ولتر، یکی از ساکنان زحل شکایت می‌کند که عمر مردم آن سرزمین بیش از پانزده هزار سال

8) Cassirer, E., Substance and Function, p. 356.